

اهل دوزخ

از منظر قرآن و عهد جدید

(قسمت دوم)

ام‌البنین باقری

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث ورودی ۸۶ دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری
omolbanin.bagheri@yahoo.com

چکیده

نوشته حاضر، گزاره‌های تطبیقی قرآن و عهد جدید در باب اهل دوزخ است. اعتقاد به معاد و جهنم از مشترکات ادیان آسمانی است. همه ادیان آسمانی به سه اصل توحید، نبوت و معاد تأکید دارند. ایمان به معاد و رستاخیز و اعتقاد به بهشت و دوزخ، لازمه تصدیق انبیا و ایمان به خدا است، در اسلام کمتر موضوعی به اندازه مبدأ و معاد و حیات اخروی مورد توجه قرار گرفته است. هدف از این تحقیق، تبیین وجوه اشتراک و افتراق مسئله دوزخ در قرآن کریم و عهد جدید و بازتاب آن در اندیشه و عمل مسلمانان و مسیحیان و آماده سازی مبلغان دینی در جهت گفتگوهای بین ادیان می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، عهد جدید، دوزخ، عذاب، نار، اعمال.

پروژه‌های علمی و مطالعات قرآنی

پرتال جامع علوم انسانی

۹) متکبران

الف) در قرآن

یکی دیگر از طوایفی که متسحق مجازات الهی می‌شوند. متکبران، هستند. قرآن کریم در مورد این گروه چنین می‌فرماید: «فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَلِدِينَ فِيهَا فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ» (۸۱) «پس از درهای دوزخ وارد شوید و در آن همیشه بمانید، و راستی بد است جایگاه متکبران». آنان که نسبت به آیات الهی تکبر ورزیدند و مخالف انبیا و دستورات پیامبران بودند، خداوند جزای آنان را آتش ابدی دوزخ قرار داده است. (۸۲) این جزا نتیجه اعمال زشت آنان است که به ایشان وعده داده شده است. به آنان گفته می‌شود که در ازای اعمالشان به عنوان کیفر و مجازات هر یک از در مخصوص خود وارد جهنم شوند و جاودانه در آن بمانند که آن جایگاه متکبران است. (۸۳) در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: «همانا متکبران (در روز قیامت) به اندازه مورچه‌ها ریز شده و مردم آنها را لگدکوب می‌کنند تا خداوند از حساب فارغ شود». (۸۴) همچنین در روایت دیگری از آن حضرت آمده است: «متکبران در روز قیامت دورترین مردم از خداوند عز و جل هستند». (۸۵)

ب) در عهد جدید

تکبر از دیگر رذایل اخلاقی است که موجب ورود به دوزخ می‌شود، در انجیل متی آمده است: «چقدر دوست می‌دارند که آنها در مهمانیها ایشان را در صدر مجلس بنشانند و در عبادتگاهها همیشه در ردیف جلو قرار گیرند، چه لذتی می‌برند که مردم در کوچه و خیابان، ایشان را تعظیم کنند و به آنان «آقا» و «استاد» گویند». (۸۶) همچنین در نامه دوم پولس به قرنتیان آمده است: «و البته خودستایی شایسته خدمتگزار خداوند نیست، اما برای اینکه بتوانم خود را با آنانی که دائماً نزد شما از خود تعریف و تمجید می‌کنند، مقایسه نمایم، من نیز راه احمقانه ایشان را در پیش می‌گیرم». (۸۷) عیسی (ع) در مورد نهی از تکبر می‌فرماید: «به عنوان پیام‌آور خدا، از جانب او شما را نصیحت می‌کنم که خود را بزرگ‌تر از آنچه که هستید به حساب نیاورید، بلکه خود را با آن مقدار ایمانی بسنجید که خدا به شما عطا کرده است». (۸۸) در جای دیگری از انجیل درباره تکبر چنین آمده است: «دیگر خود را فریب ندهید، اگر طبق معیارهای این جهان، خود را صاحب هوش و خرد فوق العاده می‌دانید، بهتر است آن را کاملاً کنار بگذارید و یک نادان باشید که مبادا غرور بی‌جا شما را از حکمت واقعی خدا محروم کند». (۸۹)

۱۰) همسر نوح (ع) و لوط (ع)

از دیگر داخل شوندگان به دوزخ، همسر نوح (ع) و لوط (ع) می‌باشند، قرآن مجید در مورد آنان چنین می‌فرماید: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ» (۹۰) «خدا برای کسانی که کافر شده‌اند، زن نوح و زن لوط را مثل آورده که هر دو در نکاح دو بنده شایسته از بندگان ما بودند و به آنها خیانت کردند، و آن دو [پیامبر] نتوانستند در برابر خدا کاری برای آن دو [زن] انجام دهند و گفته شد: با داخل شوندگان، داخل آتش شوید».

ملاک سعادت در اسلام ایمان و عمل صالح است، قوم، نژاد، خانواده، نسب و امثال آن را در سعادت، پیش خدا دخلی نیست. منظور از این مثل آن است که دانسته شود، کفر، انسان را داخل آتش می‌کند هر کس که باشد، اتصال به بندگان خالص خدا در این زمینه فایده‌ای ندارد. زنان نوح و لوط با آنکه زن پیامبر بودند در اثر کفر به آتش رفتند، نوح (ع) و لوط (ع) به آن دو فایده‌ای نبخشیدند اما زن فرعون با آنکه همسرش فرعون ادعای خدایی می‌کرد به بهشت رفت و مریم مادر عیسی (ع) در اثر عفت و دوام اطاعت خویش، ضرب المثل شد و خدا اعجاز خود را در وجود او آشکار کرد، (۹۱) خداوند حال کافران و منافقان را، در کیفر شدن آنها به کفر و نفاقشان، بی‌آنکه اهمیتی بدهد و توجهی به روابط و پیوندها داشته باشد، به حال زن نوح (ع) و زن لوط (ع) تشبیه کرده که پس از نفاق و خیانت آنها، پیوند زناشویی که حقی در میان آنها بود، هیچ سودی به حال آنها نداشت و چیزی از عذاب خدا کم نکرد. «و قِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ» به زن نوح و لوط در حال مرگ یا در روز قیامت می‌گویند با دیگر کسانی که هیچ پیوندی با پیامبران ندارند داخل دوزخ شوند. (۹۲)

۱۱) گناهکاران

در انجیل به وجود گناه (۹۳) اشاره شده که یکی از عوامل ورود به جهنم می‌باشد. نظیر همین تعبیر در رساله رومیان در مورد شکنجه و عذاب گناهکاران آمده است: (۹۴) «در ضمن، شهرهای «سدوم» و «عموره» را نیز به یاد داشته باشید، اهالی آنجا و شهرهای مجاور، به انواع شهوات و انحرافات جنسی آلوده بودند. بنابراین، همه آنها نابود شدند تا برای ما درس عبرتی باشد و بدانیم که جهنمی وجود دارد که در آنجا گناهکاران مجازات می‌شوند». (۹۵) از جمله این گناهکاران مردم کفرناحوم هستند: ای مردم کفرناحوم!



به شما چه بگویم؟ شما که می‌خواستید تا به آسمان سر برافرازید، بدانید که به جهنم سرنگون خواهید شد. (۹۶)

الف) یهودیان گناهکار

از دیگر گروههایی که داخل در این مکان تاریک می‌شوند، یهودیان هستند، در مورد آنان در اناجیل چنین آمده است: «بسیاری از یهودیان که می‌بایست به درگاه خداوند راه یابند، بیرون انداخته خواهند شد و در جایی که تاریکی و گریه و عذاب حکمفرما است قرار خواهند گرفت.» (۹۷) در جای دیگر در مورد ایشان چنین آمده است: «بنابراین خدا یهودیان را خیلی شدیدتر دآوری و مجازات خواهد کرد؛ زیرا ایشان می‌بایست به جای اینکه مرتکب چنین گناهایی شوند، دستورات و احکام خدا را بجای آورند؛ به همین علت هیچ‌یک از ایشان نخواهد توانست برای بی‌ایمانی و گناهان خود عذر و بهانه‌ای بیاورند. در حقیقت تمام مردم دنیا در برابر داوری خدای قادر مطلق، مقصر و محکومند.» (۹۸) در جایی دیگر نیز بیان شده است: «رنج و عذاب گریبان‌گیر همه کسانی خواهد گردید که گناه می‌ورزند، از یهود گرفته تا غیر یهود.» (۹۹)

ب) فرشتگان گناهکار

از دیدگاه اناجیل، فرشتگان از جمله گروههایی هستند که وارد جهنم می‌شوند. اناجیل درباره این گروه چنین یاد می‌کند: «خدا حتی از سر تقصیر فرشتگانی که گناه کردند، نگذشت، بلکه ایشان را در ظلمت جهنم محبوس فرمود تا زمان داوری فرا رسد.» (۱۰۰)

ج) معلّمان دروغین

طبق بیان صریح اناجیل، معلّمان دروغین یکی از واردشوندگان به دوزخ هستند که این‌گونه معرفی شده‌اند: «اما در آن روزگاران، انبیا دروغین بودند، و اکنون در میان شما نیز معلّمان دروغین پیدا خواهند شد که با نیرنگ، دروغهایی درباره خدا بیان خواهند کرد و حتی با سرور خود مسیح که ایشان را با خون خریده است، سر بر مخالفت بر خواهند داشت اما این اشخاص هر چه را که نمی‌فهمند مسخره می‌کنند و ناسزا می‌گویند، ایشان همچون حیوانات بی‌فهم، دست به هر کاری که خواهند، می‌زنند و به این ترتیب به سوی نابودی و هلاکت می‌شتابند.» (۱۰۱)

در مورد آنان چنین بیان شده است: «این اشخاص همچون چشمه‌ای خشکیده نفعی به کسی نمی‌رسانند و مانند ابرهایی که به هر سو روانه می‌شوند، ناپایدارند و تاریکی ابری جهنم انتظارشان را می‌کشد.» (۱۰۲) برای معلّمان دروغین مثلی نیز در اناجیل آمده است: «آن مثل قدیمی چه خوب می‌گوید که سگ به قی خود بازگردد و خوک شسته شده،

بار دیگر در لجن می‌غلطد.» (۱۰۳)

وجوه اشتراک و افتراق اهل دوزخ در قرآن و عهد جدید

قرآن کریم و عهد جدید، در مورد اهل دوزخ دارای اشتراکات و افتراقاتی می‌باشند. در این مرحله ابتدا به وجوه اشتراک، سپس به وجوه افتراق در مورد اهل دوزخ و برخی از مسائل جانبی آن اشاره می‌شود.

الف) وجوه اشتراک

۱. اصحاب شمال

اصحاب شمال از جمله مشترکات کتب مقدس است. قرآن (واقع، ۹-۴۱؛ حاقه، ۲۲-۲۵؛ انشقاق، ۱۰-۱۲) و اناجیل اربعه (متی، ۲۵: ۴۱) به ورود اصحاب شمال به جهنم اشاره کرده‌اند.

۲. بت پرستان

هر دو کتاب مقدس، قرآن (اسراء، ۲۹) و عهد جدید (رومیان، ۱: ۲۳؛ مکاشفه، ۲۲: ۱۵؛ اول قرنتیان ۱۲: ۲؛ غلاطیان، ۵: ۱۹) به ورود بت پرستان به جهنم اشاره نموده‌اند.

۳. ثروتمندان

ثروت از جمله مشترکات کتب مقدس است. هر دو کتاب به ورود ثروتمندان به دوزخ اشاره کرده‌اند. آیات قرآن (آل عمران، ۱۴۱؛ نساء، ۳۴-۳۹؛ حدید، ۷؛ انسان، ۸) و عهد جدید (دوم قرنتیان، ۸: ۸-۱۰؛ ۱۱: ۱۱؛ اول تیموتائوس، ۶: ۱۷-۱۹)، قانون انفاق در مورد ثروت را بیان کرده‌اند. همچنین قرآن (توبه، ۴-۳۵؛ آل عمران، ۱۸۰؛ نساء، ۳۷؛ محمد، ۲۷ و ۲۸، فجر، ۱۷-۲۰؛ حشر، ۹؛ عادیات، ۶-۸؛ لیل، ۱۴ و ۱۵؛ ماعون، ۱-۳) و عهد جدید (یعقوب، ۱: ۱۰ و ۱۱؛ لوقا، ۱۲: ۱۴ و ۱۵؛ عبرانیان، ۱۳: ۵) از ثروت اندوزی نهی نموده‌اند.

۴. دروغگویان

قرآن (حدید، ۱۹) و اناجیل (دوم تسالونیکیان، ۱۰: ۱۱ و ۱۲؛ مکاشفه، ۲۲: ۲۱ و ۲۵؛ ۸: ۲۱) بر ورود افراد دروغگو به دوزخ به صورت مشترک اتفاق نظر دارند.

۵. ریا و ریاکاران

قرآن (بقره، ۲۶۴؛ انفال، ۴۷؛ نساء، ۳۸؛ اسراء، ۱۸) و اناجیل (لوقا، ۱۸: ۲۴ و ۲۵؛ مرقس، ۱۰: ۲۳) عمل ناپسند ریا را به صورت مشترک بیان نموده و این عمل را به عنوان یکی از عوامل سقوط به دوزخ معرفی کرده‌اند.

۶. زنا و زناکاران

همچنین دو کتاب آسمانی، بر مسئله زنا تأکید نمودند. قرآن





می‌شود، و آنان را مورد لعن و نفرین قرار می‌دهند.

۲. بت پرستان

در قرآن کریم، ابتدا به ورود بتها به آتش دوزخ و سپس به ورود عاملان به آن، که این نیز تحقیقی بر افکار بت پرستان می‌باشد، اشاره شده است، به گونه‌ای که اینها، یک روز از ایشان شفاعت نمایند؛ زیرا آنان بتها را شفاعت کننده می‌دانند (انبیاء، ۹۸ و ۹۹؛ عنکبوت، ۲۵). اما اناجیل ورود بت پرستان به جهنم را با تعبیر مرگ دوم بیان نموده‌اند. (مکاشفه، ۲۱: ۸) که این عمل را موجب دوری از سلطنت خدا می‌دانند (اول قرتیان، ۶: ۹ و ۱۰). همچنین در اناجیل، طمع به مال یک نوع بت پرستی مطرح (کولسیان، ۵: ۳؛ افسسیان، ۵: ۵) و از معاشرت با افراد بت پرست نهی شده است (افسسیان، ۲: ۱۱؛ اول قرتیان، ۵: ۱۱).

۳. ثروت و ثروتمندان

بنابر نظر اناجیل ثروت موجب ورود به دوزخ می‌باشد (اول تیموتائوس، ۹: ۶، یعقوب، ۵: ۱-۳) و ثروتمندان به عالم ملکوت راه ندارند (لوقا، ۱۸: ۲۴ و ۲۵؛ مرقس، ۱۰: ۲۴ و ۲۵) در حالی که در قرآن به چنین چیزی اشاره نشده است؛ زیرا اگر ثروتمندان ثروتشان را از طریق حق و عدالت به دست آورده باشند، از اصحاب بهشت می‌باشند و در عین حال قرآن، ثروت‌اندوزان باطل را به عذاب دردناک وعده داده است (توبه، ۳۴ و ۳۵) و از ثروتی که اندوخته‌اند، آنها را داغ کرده و بر پیشانی و پهلویشان می‌زنند. همچنین به عدم ورود آنان به ملکوت خدا اشاره نموده است (اول قرتیان، ۶: ۱۰ و ۹؛ غلاطیان، ۵: ۱۹؛ مکاشفه، ۲۱: ۸).

۴. دروغ

در اناجیل راجع به دروغ در چند جا سخن به میان آمده است (رومیان، ۱: ۲۸ و ۲۹. یعقوب، ۳: ۱۴). انسان دروغگو و گناهکار را خداوند به حال خود رها کرده؛ زیرا آنها دروغ می‌گویند و هر گناه دیگری را انجام می‌دهند و آنان را از این عمل زشت و ناپسند نهی کرده است (افسسیان، ۴: ۲۵؛ کولسیان، ۳: ۸ و ۹؛ اول پطرس، ۳: ۱۰) و دروغگویان را شامل معلمان دروغین (اول تیموتائوس، ۴: ۱ و ۲، دوم پطرس، ۲: ۱۷-۲۰)، رسولان کاذب (مکاشفه، ۲: ۲ و ۳)،

(اسراء، ۳۲؛ فرقان، ۶۹؛ نور، ۳؛ ممتحنه، ۱۲) و عهد جدید (متی، ۵: ۲۸، اعمال رسولان، ۱۵: ۲۸ و ۲۹؛ رومیان، ۱۳: ۷ و ۳) عمل ناپسند زنا را مورد نکوهش قرار داده و پیروان خود را از ارتکاب به این عمل زشت برحذر داشته‌اند. قرآن (اسراء، ۳۲؛ نور، ۳) و اناجیل (مکاشفه، ۲۲: ۸) جایگاه افراد زناکار را دوزخ معرفی کرده‌اند.

۷. قتل و قاتل

یکی از مهم‌ترین مسائلی که قرآن (نور، ۱۲) و عهد جدید (دوم پطرس، ۲: ۴؛ رومیان، ۹: ۲۹) روی آن تأکید دارند، قتل می‌باشد و از این کار نهی و عاملان به این کار را به عنوان قاتل معرفی نموده‌اند که جایگاه آنان دوزخ است. عهد جدید (اول پطرس، ۴: ۱۵؛ لوقا، ۱۸: ۲۰؛ ۱۶: ۴، ۱۱ و ۱۲؛ یعقوب، ۲: ۱۱؛ رومیان، ۱۳: ۹) و قرآن (آل عمران؛ ۲۱ و ۱۱۲) به قاتلان انبیا اشاره نموده‌اند.

۸. کبر و متکبران

قرآن (نساء، ۱۷۳؛ انعام؛ ۷۰-۹۳؛ اعراف، ۳۶؛ نحل، ۲۹؛ مؤمن، ۳۴ و ۳۵؛ غافر، ۳۵-۴۰) و اناجیل (متی، ۲۳: ۶-۸؛ اول تیموتائوس، ۳: ۷ و ۶) در بیان تکبر و غرور از اعمال زشت اخلاقی، مشترکند که هر دو کتاب به بیان افراد متکبر و ورود به دوزخ پرداخته‌اند.

ب) وجوه افتراق

۱. اصحاب شمال

نگاه اناجیل نسبت به اصحاب شمال با قرآن متفاوت است. در اناجیل به هم‌نشینی سمت چپیان (اصحاب شمال) با شیطان اشاره شده است (متی، ۲۵: ۴۱) در حالی که در قرآن، شیطان (اسراء، ۶۲-۶۵؛ ص، ۸۲-۸۵؛ زخرف، ۳۶؛ تحریم، ۴۳) یکی از وارد شوندگان به دوزخ می‌باشد. از منظر قرآن اصحاب شمال کسانی هستند که نامه اعمالشان به دست چپشان داده می‌شود، این نشانه و رمزی است که دریافت کننده نامه عمل، اهل جهنم است. اما در اناجیل به گونه‌ای متفاوت بیان شده و آن این است که دسته‌ای از افراد در سمت چپ حضرت عیسی (ع) قرار می‌گیرند که نحوه قرار گرفتن افراد دلیلی بر دوزخی بودن آنان محسوب



مسیحیان کاذب (متی، ۲۴: ۲۴)، انبیای دروغین (همان، ۷: ۱۵) همچنین کسانی که حقیقت مسیح را انکار کنند، می‌داند (اول یوحنا، ۲: ۲۲). اما قرآن علاوه بر آنچه که در زمینه دروغ در اناجیل مطرح شده است، قسم خوردگان به دروغ (بقره، ۲۲۴: آل عمران، ۷۷)، دروغ بندگان به خدا (انعام، ۲۱: اعراف، ۳۷) و شهادت دهندگان به دروغ (فرقان، ۷۷) را نیز دروغگو می‌نامد و علاوه بر ورود دروغگویان به جهنم، عذاب روحی آنان را از جمله محرومیت از کلام و عنایت حق، روسپاهی آنان در قیامت و ابدی بودن در آتش، بیان می‌کند (بقره، ۳۹: آل عمران، ۱۱: مائده، ۱۰: زمر، ۶۰).

۵. ربا و رباکاران

دیدگاه قرآن در مورد ربا این می‌باشد که کارها برای خدا باشد و برای غیر او نباشد. کارها اگر برای غیر او باشد، ارزش ندارد و ثمره و نتیجه‌ای نمی‌دهد. اگر کارها برای دنیا و جلب توجه مردم باشد، مختص دنیا بوده و از اجر و پاداش اخروی بهره نداشته و پاداش عاملان او جز عذاب جهنم چیز دیگری نخواهد بود (هود، ۱۵ و ۱۶؛ شوری، ۲۰ و ۲۱). همچنین قرآن به هم‌نشینی رباکار با شیطان در آتش جهنم اشاره کرده است (نساء، ۳۸). ولی در اناجیل این‌طور مطرح گردیده که کار خیر، پنهان و به دور از چشم مردم انجام گیرد و اجر و پاداش کار خیر را از پدر آسمانی باید گرفت و همچنین سفارش شده است که ربا نکنید (متی، ۶: ۱-۶، ۱۶-۱۸؛ لوقا، ۱۱: ۱۵) تا موجب دوری از ملکوت خداوند نشوید (همان، ۱۱: ۱۳-۱۵). در اناجیل به معرفی رباکاران از جمله فریسیها (لوقا، ۱۱: ۳۹-۴۲)، معلمان دروغین (اول قرتیان، ۴: ۱-۴، دوم پطرس، ۲-۳؛ اول پطرس، ۱-۴) و علمای دینی (لوقا، ۱۱: ۴۵ و ۴۶؛ متی، ۱۵: ۲۳-۳۰) نیز پرداخته است.

۶. زناکاران

از منظر قرآن، کیفر افراد زناکار، جهنم و ابدی بودن در عذاب جهنم است (ممتحنه، ۲؛ فرقان، ۶۸ و ۶۹) با این تفاوت که اناجیل به عدم ورود آنان به ملکوت خدا اشاره نموده‌اند (اول قرتیان، ۶: ۹ و ۱۰؛ غلاطیان، ۵: ۱۹؛ مکاشفه، ۲۱: ۸).

۷. نحوه عذاب قاتلان

در قرآن سزای قتل عمد علاوه بر ورود به دوزخ، جاودانه بودن در آتش، مورد لعن قرار گرفتن و دوری از رحمت خدا مطرح گردیده است. با این تفاوت که در اناجیل، از سوختن در جهنم که دریاچه‌ای از آتش و گوگرد است، سخن به میان آمده است (غلاطیان، ۵: ۲۱؛ اول پطرس، ۴: ۱۵؛ مکاشفه، ۸: ۲۱).

عهد جدید در برخی از آیات، وجود گناه را علت قتل

می‌داند (رومیان، ۱: ۲۹؛ لوقا، ۱۱: ۴۸) که بر اثر افکار نادرست، در وجود و قلب آدمی حاصل می‌گردد (مرقس، ۷: ۲۱ و ۲۲).

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این تحقیق به شرح ذیل بیان می‌گردد: با اندکی تأمل در این مسئله به این نتیجه می‌رسیم که اگر انسان در این دنیا به وظایف خود عمل کند و فرمانهای الهی را اطاعت نماید و از انجام اعمالی چون دروغ، ربا، اسراف، ترک واجبات، زنا، خوردن مال یتیم، کفر، شرک و غیره دست بردارد و اطاعت از فرامینی را که اولیا و پیامبران الهی با کتاب و براهین کامل برای هدایت و راهنمایی بشر آورده‌اند، سرلوحه زندگی خود قرار دهد، هم در این دنیا و هم در آخرت به قرب و خشنودی خداوند که بالاترین درجه انسان در آن می‌باشد، نایل می‌شود. پی بردن به این حقایق الهی، در این کتاب آسمانی، در خصوص ما انسانها، خود حاکی از عظمت حق و درست اندیشیدن و درست زیستن، حول محور الهی و پرهیز از هرگونه اعتقادات باطل و رهایی از قید و بند واهی می‌باشد.

علت ارتکاب افراد به معاصی، عدم ایمان و فراموش کردن عالم آخرت و عذابهای جهنمی است که سبب می‌شود انسان به انواع انحرافات و بزهکاری روی آورد و راههای سقوط به جهنم را با اعمال خود فراهم آورد و علت بزهکاری جوانان و به دنبال کارهای خلاف رفتن یکی از دلایل عدم ایمان به روز جزا و حساب می‌باشد، چرا که مطرح کردن این مسئله می‌تواند افراد فاسد را به حداقل برساند. در اثر ایمان و یقین می‌توان جلو بسیاری از انحرافات و بزهکاریها و کلاه برداریها را گرفت. با اعتقاد به معاد، زندگی انسان حتی خوردن و خوابیدن و پرداختن به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و ... رنگ خدایی می‌گیرد. پس اعتقاد به معاد اصل ضروری دین می‌باشد که هم مانع هوسرانی شهوت‌رانا می‌شود و هم جلوی بسیاری از طغیانها و سرکشیها را می‌گیرد. انسان معتقد همیشه مراقب و مواظب رفتار و کردار خود می‌باشد و این حسن مراقبه و محاسبه در وجودش، او را برای حسابرسی روز حساب آماده می‌دارد و به خاطر همین، کمتر گناه می‌کند؛ زیرا ایمان چون دژی محکم او را از ورود به معاصی حفظ می‌نماید. بشارتها و اندازها در قرآن کریم مهم‌ترین پشتوانه است که انسان را از عذاب الهی دور و به سوی رضایت و خشنودی خداوند هدایت می‌نماید.



۱. قارعه، ۱۱ و ۱۰؛ نک: اعلى، ۱۳ و ۱۲.
 ۲. تفسير بيان السعادة في مقامات العباد، ج ۴، ص ۲۷۱.
 ۳. تفسير هدايت، ج ۱۸، ص ۲۸.
 ۴. تفسير منهج الصادقين، ج ۱۰، ص ۳۳۰؛ تفسير القرآن العظيم، ج ۸، ص ۴۴۸.
 ۵. الجامع الصحيح سنن ترمذی، ص ۶۹۹؛ بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۸۸.
 ۶. کنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، ج ۱۴، ص ۵۲۱.
 ۷. ق، ۳۰؛ نک: سجده، ۱۳؛ اعراف، ۱۸؛ حجر، ۴۳؛ ص، ۸۵.
 ۸. الکشاف عن حقائق غوامض التنزيل، ج ۴، ص ۳۸.
 ۹. اطيب البيان، ج ۱۲، ص ۲۵۲.
 ۱۰. متی، ۷: ۱۳.
 ۱۱. مرقس، ۴۷: ۹-۴۸.
 ۱۲. لوقا، ۳: ۱۷.
 ۱۳. قرآن و کتاب مقدس درون مایه های مشترک، ص ۹۳۷.
 ۱۴. واقعه، ۴۱؛ نک: انبياء، ۹۴؛ واقعه، ۹؛ حاقه، ۳۲-۲۵؛ انشقاق، ۱۲-۱۰.
 ۱۵. تفسير من وحی القرآن، ج ۲۱، ص ۲۳۴.
 ۱۶. جلاء الأذهان و جلاء الأحزان، ج ۹، ص ۳۵۲.
 ۱۷. متی، ۲۵: ۴۱.
 ۱۸. انبياء، ۹۸؛ نک: عنكبوت، ۲۵؛ مريم، ۴۴؛ شعراء، ۹۴ و ۹۵؛ اسراء، ۳۹؛ زخرف، ۳۶؛ تجريم، ۶.
 ۱۹. مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۷، ص ۱۰۲.
 ۲۰. تفسير هدايت، ج ۷، ص ۳۰۵.
 ۲۱. تفسير جوامع الجامع، ج ۳، ص ۲۹.
 ۲۲. تفسير نمونه، ج ۱۳، ص ۵۰۷.
 ۲۳. روميان، ۱: ۲۳ و ۸؛ مکاشفه، ۹: ۲۰؛ ۱۵: ۲؛ روميان، ۲: ۲۵؛ اول قرنتيان، ۹: ۱۲.
 ۲۴. مکاشفه، ۲۱: ۸.
 ۲۵. نک: فرقان، ۷۲.
 ۲۶. نک: بقره، ۲۲۴؛ آل عمران، ۷۷.
 ۲۷. نک: آل عمران، ۷۸ و ۹۴؛ انعام، ۲۱؛ اعراف، ۳۷؛ بقره، ۳۹.
 ۲۸. زمر، ۶۰؛ نک: بقره، ۳۹؛ آل عمران، ۱۱؛ مائده، ۱۰؛ توبه، ۹۰؛ يونس، ۴۵؛ روم، ۱۶.
 ۲۹. اطيب البيان، ج ۱۱، صص ۳۵۵ و ۳۵۶.
 ۳۰. و قصد فریب دادن است و گناه و تشنيع آن بر حسب
- نفسانيت و خبث مقصد است. نوشت‌ه‌های مقدسه انواع و اقسام دروغ را مؤکداً ممنوع می‌دارند. کلیه آن را به شیطان و فرزندان او که پدر دروغها هستند، نسبت می‌دهند. شیطان والدین نخستین ما یعنی آدم و حوا را توسط دروغی عظیم فریفت، یعنی که نخواهید مرد و تمامی مواعید یک نسبت به فرزندان ایشان از نتیجه دروغ داده می‌شود کلیه کذب و مهلک است و دروغ را اقسام است یعنی توسط نگاه کردن و اشاره و فعل و سکوت و غیره دروغ توان گفت (قاموس کتاب مقدس، ص ۳۷۸).
۳۱. تیطوس، ۱: ۱۵ و ۱۶؛ یعقوب، ۳: ۱۴.
 ۳۲. اول یوحنا، ۲: ۲۲.
 ۳۳. مکاشفه، ۲: ۲.
 ۳۴. متی، ۷: ۱۵؛ دوم پطرس، ۲: ۱.
 ۳۵. همان، ۲۴: ۲۴.
 ۳۶. اول تیموتائوس، ۴: ۲ و ۱۷-۱۹؛ ۲: ۳؛ تیطوس، ۱: ۱۱.
 ۳۷. دوم تسالونکیان، ۲: ۱۰-۱۳؛ مکاشفه، ۲۲: ۱۵؛ ۲۱: ۸.
 ۳۸. افسسیان، ۵: ۲۵؛ متی، ۵: ۳۴-۳۶؛ مرقس، ۱۰: ۱۹؛ لوقا، ۱۸: ۲۰؛ کولسیان، ۳: ۸.
 ۳۹. واقعه، ۴۵؛ نک: یونس، ۷ و ۸؛ نحل، ۱۰۶ و ۱۰۷؛ نازعات، ۳۸.
 ۴۰. فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۲۲۱۷.
 ۴۱. عبرانیان، ۱۳: ۵؛ لوقا، ۱۲: ۱۳-۱۵؛ یعقوب، ۱: ۱۰ و ۱۱.
 ۴۲. اول تیموتائوس، ۶: ۹ و ۱۰؛ یعقوب، ۵: ۳.
 ۴۳. لوقا، ۱۶: ۲۵؛ یعقوب، ۵: ۳-۱.
 ۴۴. همان، ۱۶: ۱۴.
 ۴۵. متی، ۱۹: ۲۴؛ ۱۳: ۲۲.
 ۴۶. اول تیموتائوس، ۶: ۹؛ اول یوحنا، ۲: ۱۶.
 ۴۷. لوقا، ۱۸: ۲۴ و ۲۵؛ مرقس، ۱۰: ۲۴ و ۲۵.
 ۴۸. هود، ۱۵ و ۱۶.
 ۴۹. مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۵، ص ۲۲۴.
 ۵۰. متی، ۶: ۱-۶؛ ۱۶-۱۸؛ لوقا، ۱۱: ۱۵.
 ۵۱. فریسیان فرقه‌ای از علمای یهودی بودند که در آن زمان کنترل معبد اورشلیم و امور مذهبی عمدتاً در دست آنها بود. آنان جانشین فرقه خسیديه (مقدسین) را که در زمان حکومت مکابیان وجود می‌نمود، کشته بودند و به روایات موسوی و رعایت خشک



- اصول مذهبی تأکید می نمودند (قاموس کتاب مقدس، ص ۶۵۲).
۵۲. متی، ۲۳: ۱۳-۱۵، ۲۳-۳۰.
۵۳. لوقا، ۲۰: ۴۵-۴۷؛ ۱۱: ۳۹-۴۴ و ۵۲: ۱۲؛ ۱: رومیان، ۱۲: ۱۵-۹.
۵۴. همان، ۱۲: ۱-۳؛ ۱۶: ۱، ۴-۱۵.
۵۵. مائده، ۳۲.
۵۶. تفسیر احسن الحدیث، ج ۳، ص ۵۸.
۵۷. تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، ص ۶۶۴؛ اطیب البیان، ج ۱، ص ۳۴۹.
۵۸. نساء، ۹۳.
۵۹. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۱؛ تفسیر من وحی القرآن، ج ۲، ص ۱۵۱.
۶۰. آل عمران، ۲۱ و ۲۲.
۶۱. تفسیر روح البیان، ج ۲، ص ۱۶؛ تفسیر منهج الصادقین، ج ۲، ص ۱۹۴.
۶۲. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۲۳؛ روض الجنان و روح الجنان، ج ۴، ص ۲۴۰.
۶۳. رومیان، ۱۳: ۹؛ ۱۰: ۲۹.
۶۴. یعقوب، ۲: ۱۱؛ اول پطرس، ۴: ۱۵؛ غلاطیان، ۵: ۲۱.
۶۵. مکاشفه، ۲۱: ۸.
۶۶. اتمام: یک وادی در دوزخ است که زناکاران را در آن عقوبت خواهند کرد و نیز به معنای یکی از وادیهای دوزخ است که آن وادی از مس گذاخته است و مکان جماعتی است که مرتکب آن گناه شده اند (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۸۰).
۶۷. فرقان، ۶۸ و ۶۹؛ نک: اسراء، ۳۲؛ فرقان، ۶۹؛ نور، ۳؛ ممتحنه، ۱۲.
۶۸. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۲۴۱.
۶۹. الامالی، ص ۳۹۸.
۷۰. متی، ۵: ۲۸؛ لوقا، ۱۸: ۲۰؛ اعمال رسولان، ۱۵: ۲۸ و ۲۹؛ رومیان، ۱۳: ۱۳؛ رومیان، ۷: ۳.
۷۱. یوحنا، ۸: ۱-۱۱، رومیان، ۱: ۲۷ و ۲۸.
۷۲. غلاطیان، ۵: ۱۹؛ افسسیان، ۵: ۵؛ اول قرنتیان، ۶: ۹ و ۱۰؛ رومیان، ۱۳: ۱۰ و ۹؛ مکاشفه، ۲۱: ۸.
۷۳. مکاشفه، ۲۲: ۲۱؛ ۱۵: ۸.
۷۴. نساء، ۱۱۹-۱۲۱؛ نک: اعراف، ۱۳۸؛ اسراء، ۶۲-۶۵؛ ص،
- ۸۲-۸۵؛ زخرف، ۳۶؛ تحریم، ۴۳.
۷۵. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۸۴.
۷۶. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۷۳؛ روح المعانی، ج ۳، ص ۱۴۴.
۷۷. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۳۸.
۷۸. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۲۵.
۷۹. مثنوی معنوی.
۸۰. مکاشفه، ۳۰: ۷-۱۰، دوم تسالونیکیان، ۹: ۲-۱۰.
۸۱. غافر، ۳۷؛ نک: نساء، ۱۷۲؛ انعام، ۷۰-۹۳؛ اعراف، ۳۶؛ نحل، ۲۹؛ مومنون، ۳۴ و ۳۵؛ غافر، ۳۵ و ۴۰ و ۴۶.
۸۲. تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۴۸۷.
۸۳. تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، ج ۲، ص ۴۱.
۸۴. بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۰۱.
۸۵. همان، ج ۱۴، ص ۳۴.
۸۶. متی، ۲۳: ۶-۸؛ اول تیموتائوس، ۳: ۷ و ۶.
۸۷. دوم قرنتیان، ۱۱: ۱۷ و ۱۸؛ دوم تیموتائوس، ۳: ۸؛ کولسیان، ۲: ۲۳.
۸۸. رومیان، ۱۳: ۳؛ اول یوحنا، ۳: ۱۶.
۸۹. اول قرنتیان، ۳: ۱۸؛ ۸: ۱؛ لوقا، ۱۸: ۱۴؛ اول تیموتائوس، ۶: ۱۷.
۹۰. تحریم، ۱۰.
۹۱. تفسیر احسن الحدیث، ج ۱۱، ص ۲۴۳.
۹۲. تفسیر جوامع الجامع، ج ۶، ص ۳۶۶؛ جلاء الأذهان و جلاء الأحزان، ج ۱۰، ص ۱۱۶.
۹۳. رومیان، ۱: ۲۶-۲۹؛ ۲: ۸.
۹۴. همان، ۲: ۱-۸؛ ۲: ۱۲-۱۵؛ غلاطیان، ۵: ۳.
۹۵. یهودا، ۱: ۷؛ رومیان، ۲: ۱۲-۱۵؛ دوم پطرس، ۲: ۶.
۹۶. لوقا، ۱۰: ۱۵؛ متی، ۱۱: ۲۳.
۹۷. متی، ۸: ۱۲.
۹۸. رومیان، ۳: ۱۹.
۹۹. همان، ۲: ۹.
۱۰۰. پطرس، ۲: ۴.
۱۰۱. دوم پطرس، ۱: ۲، ۳ و ۲۵؛ یهودا، ۳: اول یوحنا، ۴: ۱.
۱۰۲. همان، ۲: ۱۷.
۱۰۳. همان، ۲: ۲۲.



۱. قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرام پور.
۲. کتاب مقدس، ترجمه انجمن کتاب مقدس.
۳. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۵. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۶. ترمذی، الجامع الصحیح سنن ترمذی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق/۲۰۰۰م.
۷. حقی بروسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۸. جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن، جلاء الأذهان و جلاء الأحران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۹. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
۱۰. شاذلی، سید قطب الدین بن ابراهیم، فی ظلال القرآن، قاهره، دارالشروق، چاپ هفدهم، ۱۴۱۲ق.
۱۱. شریف لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، تهران، دفتر نشر داد، چاپ اول، ۱۳۷۳ش.
۱۲. صدوق، محمد بن علی (ابن بابویه قمی)، الامالی، بیروت، انتشارات علمی، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ق.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۱۵. همو، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۱۶. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ش.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۱۸. فضل الله، سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک للطباعة و النشر، چاپ دوم، ۱۴۱۹ق.
۱۹. قریشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، چاپ سوم، ۱۳۷۷ش.
۲۰. کاشانی، ملافتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتاب فروشی محمدحسن علمی، ۱۳۳۶ش.
۲۱. گنابادی، سلطان محمد، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده، بیروت، مؤسسه الأعلمی، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۲۲. ماسون، دنیز، قرآن و کتاب مقدس درون مایه های مشترک، ترجمه فاطمه سادات تهامی، تهران، دفتر پژوهش سهروردی، ۱۳۷۹ش.
۲۳. متقی بن حسام بن الدین هندی، علاء الدین علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ پنجم، ۱۴۰۵ق.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۵. مدرسی، سید محمدتقی، تفسیر هدایت، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۲۷. مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، چاپ پنجم، زمستان ۱۳۸۶ش.
۲۸. هاکس، مستر، قاموس کتاب مقدس، بیروت، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.

